

گزارش

رئیس‌جمهور در حاشیه جلسه دولت:

من تغییری نکرده‌ام

اعضای کابینه دولت چهاردهم به رسم همیشگی در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران حاضر شدند تا پاسخ‌گوی سؤالات آنها باشند. مسعود پزشکیان در حاشیه جلسه هیئت دولت، در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا مواضع وی نسبت به سال‌های ۸۸ و ۱۴۰۱ تغییر کرده است، گفت: مواضع من تغییری نکرده و هیچ تفاوتی با گذشته نکرده‌ام.

نظر دولت، آزادی تمام بازداشت‌شدگانی است که جرم سنگین ندارند

الیاس حضرتی هم در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت، در جمع خبرنگاران اظهار کرد: وزارت بهداشت در زمینه رسیدگی به مجروحان حوادث اخیر بسیار فعال بود و کادر درمان در تمام استان‌ها همین رویه را پیش گرفتند و صحنه‌های زیبایی از انسانیت را به نمایش گذاشتند؛ به تمام مجروحان با تمام ظرفیت و امکانات رسیدگی کردند، بدون اینکه بپرسند از کجا آمدی و چرا زخمی شدی یا از کدام طیف و دسته هستی. رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت ادامه داد: رئیس‌جمهوری دستور داد تا جایی که ممکن است پیگیری‌ها انجام شود و سه گروه ریشه‌یابی علل وقوع این حوادث را بر عهده گرفتند تا مشخص شود چه کم‌کاری‌هایی از طرف مسئولان انجام شده است. او یادآور شد: کمیته‌ای تشکیل شد تا به وضعیت مجروحان، بازداشت‌شدگان و جان‌باختگان رسیدگی شود که مسئولیتش بر عهده علی ربیعی، مشاور اجتماعی رئیس‌جمهوری است. حضرتی ادامه داد: با قوه قضائیه تماس‌ها و جلساتی برگزار شد که تا آنجا که می‌توانند پرونده تمام بازداشت‌شدگان را با قبض عین (چشم‌پوشی) و به شکل آسان پیگیری کنند. وی گفت: آثانی که دانش‌آموز بودند، روزهای اول آزاد شدند و آثانی که جرم سنگین نداشتند، با وثیقه‌های ساده در روزهای اول آزاد شدند و کارشان به دادگاه نرسید. رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت تأکید کرد: نظر دولت این است که تمام بازداشت‌شدگان منهای کسانی که ارتباطات سنگین مالی و سازمانی داشتند و دارای اسلحه بودند و رهبری این حوادث را بر عهده داشتند، آزاد شوند. حضرتی همچنین با اشاره به مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا، تصریح کرد: در همه ادوار، هماهنگی‌های خوبی میان میدان، نیروهای مسلح و دیپلماسی وجود داشته است که اکنون در اوج آن هستیم. او ادامه داد: همه یک حرف می‌زنند و یک برنامه دارند که در مرکز مشخص شورای عالی امنیت ملی، به ریاست رئیس‌جمهوری، برنامه‌ریزی، مدیریت و فرماندهی می‌شود تا همه زیر پرچم رهبری انقلاب حرکت کنیم.

رئیس‌جمهوری بر حفظ آرامش آراستان‌ها تأکید دارد

فاطمه مہاجرانی نیز در جمع خبرنگاران در مورد طرح برخی احتمالات درباره تغییر نرخ ارز دارو تصریح کرد: از قبل گفته بودیم برای ارز دارو تصمیم جدیدی گرفته نشده و هیچ تغییری انجام نشده است. او همچنین درباره افزایش میزان عیدی کارمندان نیز اظهار کرد: همان‌طور که اعلام شده بود، مبلغ عیدی کارمندان پنج‌ویکم میلیون تومان پیشنه‌اد شد که با دستور رئیس‌جمهوری این مبلغ به ۱۰ میلیون تومان رسید. سخنگوی دولت در بخش دیگری از سخنان خود به خبرنگاران گفت: در جلسه اخیر دولت، اساسنامه سازمان بهینه‌سازی مصرف انرژی به تصویب رسید.

سخنگوی دولت با اشاره به برگزاری مراسم چهل‌م جان‌باختگان حوادث دی‌ماه، اظهار کرد: رئیس‌جمهوری تأکید ویژه‌ای نسبت به حفظ آرامش آراستگان‌ها در این روزها داشت و یادآور شد به مردم اجازه داده شود آن‌گونه که دوست دارند مراسم فرزندان خود را برگزار کنند. مهاجرانی با اشاره به برنامه دولت برای کنترل بازار در ماه رمضان گفت: در جلسه امروز هیئت دولت، برنامه کنترل بازار و نظارت بیشتر بر قیمت‌ها و تمرکز بر اینکه معیشت مردم در ماه رمضان دچار مشکل نشود، مطرح شد. وی با اشاره به گزارش آتش‌سوزی بازار رشت در ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه از سوی استاندار گیلان، ادامه داد: براساس این گزارش، میزان آسبایی که به کسبه بازار رشت وارد شده، بالغ بر ۴۰۰ مغازه است.

مسئندسازی خسارات حوادث دی‌ماه در حال انجام است

حجت‌الاسلام مجید انصاری نیز در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت، در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی درباره اقدامات دولت نسبت به پیگیری حوادث دی‌ماه گفت: از ابتدا دولت کارگروهی در این زمینه تشکیل داد و رئیس‌جمهوری به وزیر علوم دستور داد تا نسبت به ریشه‌یابی حوادث دی‌ماه اقدامات لازم را انجام دهد. او یادآور شد: همچنین به معاونت حقوقی و وزارت دادگستری وظیفه داده شد تا این وقایع را بررسی و خسارات را برآورد کنند و به مستندسازی این موضوع مشغول شوند. انصاری تأکید کرد: استانداران نیز موظف شدند برآوردهای مالی و اقتصادی را انجام داده و به خانواده‌های شهدا و جان‌باختگان و همچنین آسیب‌دیدگان سرکشی و رسیدگی کنند.

مناطق آزادی می‌توانند رقیب سفر به کشورهای همسایه باشند

رضا صالحی‌امیری هم در حاشیه جلسه هیئت دولت، در جمع خبرنگاران اظهار کرد: اخیراً همکارانم با رئیس مناطق آزاد جلسه داشتند و توافق شد از توسعه مراکز گردشگری در مناطق آزاد حمایت کرد و به تقویت مشوق‌های لازم برای ایجاد جذابیت سفر به این بخش‌ها در مناطق آزاد کمک کنیم. او با بیان اینکه مناطق آزاد ظرفیت‌های خوبی برای گردشگری دارند که باید از آن بهره‌برداری کرد، افزود: اگر زیرساخت‌ها و ظرفیت‌ها در این بخش به‌خوبی توسعه یابد، می‌تواند در تمایل مردم نسبت به سفر به مناطق آزاد در برابر سفر به کشورهای همسایه مؤثر باشد. وزیر گردشگری ادامه داد: اگر بتوانیم به مناطق آزاد توجه لازم را داشته باشیم، یکی از کانون‌هایی است که می‌توانیم در بخشی از سفرهای مردم به‌جای اینکه به کشورهای همسایه توجه شود، به مناطق آزاد ایران سفر کنند. در حال حاضر جزیره کیش حدود ۵۰ هتل فعال دارد و ۵۰ هتل نیز آنجا در دست ساخت است. صالحی‌امیری افزود: همه مناطق آزاد ایران قابلیت و ظرفیت گردشگری و استفاده گسترده مردم را دارند. به هر میزان که بتوانیم گردش سرمایه را در مناطق آزاد بیشتر کنیم، به همان میزان بازگشت سرمایه و افزایش گردشگری داخلی را در پیش داریم.

وزیر گردشگری درباره شعار نوروز ۱۴۰۵ اظهار کرد: با نظر رئیس‌جمهوری، نوروز امسال، نوروز وقای و همدلی است. در این نوروز از تمام حاشیه‌ها عبور خواهیم کرد و وارد اصل مهمی می‌شویم که ایران به‌عنوان تمدن افتخارآمیز در دنیا می‌درخشد و باید کدورت‌ها را کنار بگذاریم. درواقع نوروز را عبور از سوگ نامیدیم. وی یادآور شد: امسال برنامه‌های زیادی برای گسترش سفرهای داخلی داریم و برنامه‌های محتوایی تعریف کرده‌ایم. امیدواریم با برنامه‌هایی که برای نوروز در نظر گرفته‌ایم، نوروزی سرشار از نشاط‌آفرینی و غرورآفرینی برای همه مردم ایران باشد. امسال جزء معدود مواردی است که هویت ملی و هویت دینی-معتوی ما -یعنی عید فطر- درکنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. این دو عید تجلی نماد هویت ملی و دینی ایرانیان است.



عبدالرحمن فتح‌اللهی: کردهای ۲۵ بهمن (۱۴ فوریه) را می‌توان نشانه‌ای از تلاش هدفمند برای اپوزیسیون‌سازی از دیاسپورای ایرانی دانست. در چنین برنگاه‌هایی، بخشی از کنشگران و شبکه‌های سیاسی می‌کوشند دیاسپورا را از موقعیت متکثر و نسبتاً آزاد خود خارج کرده و آن را زیر فشار «موضع‌گیری سیاسی الزام‌آور» قرار دهند. منطق پنهان این تلاش، آن است که سکوت، تردید یا بی‌طرفی به‌عنوان همدستی تعبیر شود و افراد ناچار شوند در قالب‌های از پیش تعریف‌شده اپوزیسیونی جای بگیرند. این فشار اگرچه ممکن است به بسیج کوتاه‌مدت منجر شود، اما در بلندمدت خطرناک است. اپوزیسیون‌سازی تحمیلی می‌تواند به حذف صداهای مستقل، تشدید

✘ با عنایت به آنچه تحت عنوان **کردهای ۲۵ بهمن** (۱۴ فوریه) روی داده است، از دیدگاه شما که خودتان از پژوهشگران تاریخ و کنشگر سیاسی به شمار می‌روید و در قالب جامعه دیاسپورای ایرانی نیز زیست می‌کنید، آیا این رویداد به معنای حقیقی کلمه، نمایانگر گذار دیاسپورای ایرانی به سوی کنشگری اپوزیسیونی سازمان‌یافته بود یا صرفاً کنشی مقطعی و گذرا به شمار می‌آید؟

من کنشگر سیاسی نیستم…

✘ چرا؟

کنشگر سیاسی، شخصی است که جاه‌طلبی و اشتیاق به کسب قدرت سیاسی دارد. ولی من از دوران نوجوانی تاکنون هیچ‌گاه چنین آرزمانی برای تصاحب حکومت، حضور در حکومت فعلی یا اپوزیسیون یا هر منصب قدرت دیگر سیاسی-اجرائی نداشته‌ام؛ از این‌رو خود را کنشگر سیاسی نمی‌دانم.

✘ **باین‌حال، شما سطحی از کنش سیاسی را دارید؛ پس می‌توان شما را کنشگر سیاسی تلقی کرد.**

به‌هیچ‌وجه اگر کسی چنین تعبیری کرده باشد، اشتباه کرده است. به باور من، کنشگر سیاسی کسی است که نهایت آمال و آرمانش دستیابی به قدرت باشد. چون من چنین آرزمانی ندارم، خود را کنشگر سیاسی نمی‌شمارم.

✘ **باین‌حال، کنش سیاسی لزوماً به معنای کنشگری برای تصاحب قدرت نیست…**

اگر فردی خود را کنشگر سیاسی بداند، اما میل و اشتیاقی به رسیدن به قدرت نداشته باشد، راه را خطا پیموده و دچار اشتباه فاحش شده است. چون کنشگری سیاسی که در نهایت با آرزوی کسب قدرت از راه در دست همراه نباشد، کنشگری سیاسی نام ندارد. من پژوهشگر تاریخ معاصر، سندیوز و تحلیلگر امور معاصر بین‌المللی و رسانه‌ای هستم، ولی حتماً کنشگر سیاسی نیستم. **✘** **از جدل کنشگری سیاسی که عبور کنیم، چه فراتی از عنوان کردهای ۲۵ بهمن (۱۴ فوریه) دارید؟ آیا دیاسپورای ایرانی به کنشگری اپوزیسیونی سازمان‌یافته تقلیل یافته‌است یا خیر؟**

پرسش شما اساساً نادرست است؛ چون بخش اعظم دیاسپورای ایرانی که جمعیت آن میان شش تا ۱۰ میلیون نفر برآورد می‌شود و میانکین آن را می‌توان حدود هشت میلیون نفر دانست، اصولاً کنشگر سیاسی نیستند و در عرصه عمومی و رسانه‌ای اصلاً دیده نمی‌شوند.

✘ **با ه‌هم به اختلاف کنش سیاسی و کنشگری می‌رسیم. دیاسپورا کنش‌مند نیست و فعل با اکت سیاسی ندارد، اما کنش و باور خود را دارد…**

بیباید، درصد در‌خور توجهی از جامعه دیاسپورا ممکن است در درجات گوناگون مخالف جمهوری اسلامی باشند و درصد اندکی نیز طرفدار آن؛ اما قریب به اتفاق ایرانیان خارج از کشور اساساً سیاسی نیستند، به امور سیاسی نمی‌اندیشند و هیچ آرمان سیاسی‌ای له یا علیه جمهوری اسلامی ندارند.

✘ **پس جایگاه کنونی دیاسپورا چیست؟**

اجازه بفرمایید سخن پیشین را تکمیل کنم. از آنجا که احتمالاً امثال من و شما از منظر رسانه، به‌ویژه رسانه‌های بیرون‌مرزی و به‌خصوص رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور به امور می‌نگریم، به دروغ به ما القا شده که این چند هزار یا حتی چند صد هزار نفری که در کردهای ۲۵ بهمن (۱۴ فوریه) حضور داشتند، نماینده تمامی ایرانیان خارج از کشورند. این ادعا کذب محض است و هیچ پایه واقعی ندارد. باین‌حال، تعداد این افراد چشمگیر و غیرقابل انکار و اغماض است. افزون بر این، تحولات و ملاحظات جدیدی در



نگاهی به وضعیت این روزهای دیاسپورای ایرانی در گفت‌وگو با مجید تفرشی

صدای پای فاشیسم

عبدالرحمن فتح‌اللهی: کردهای ۲۵ بهمن (۱۴ فوریه) را می‌توان نشانه‌ای از تلاش هدفمند برای اپوزیسیون‌سازی از دیاسپورای بیجامد. دیاسپورا زمانی می‌تواند به نیروی سیاسی معتبر بدل شود که انتخاب کنشگری برای آن آگاهانه و داوطلبانه باشد، نه آنکه محصول فشار اخلاقی و بسیج هنجانی. از همین رو و در امتداد مباحث پیش‌گفته و با هدف واکاوی دقیق‌تر وضعیت کنونی دیاسپورای ایرانی، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم با مجید تفرشی، پژوهشگر حوزه تاریخ که خود نیز زیست دیاسپورایی را تجربه می‌کند. این کپ‌گفت‌ وگفت تلاشی است برای دستیابی به ارزیابی‌ای سنجیده‌تر و تحلیلی‌تر از تحولات اخیر و فشارهای وارد بر جامعه دیاسپورای ایرانی که در ادامه، متن کامل و مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

این بخش از دیاسپورا که شما آن را اپوزیسیون می‌نامید، پدید آمده که شایسته ذکر است.

✘ **من دیاسپورای ایرانی را اپوزیسیون نمی‌دانم، اما گذار دیاسپورا به اپوزیسیون را نمی‌توان نادیده گرفت. باین‌حال، می‌خواهم بپرسم که دیاسپورا اکنون در چه جایگاهی قرار دارد؟**

بخش عمده دیاسپورای ایرانی، فارغ از آنکه تغییری سیاسی در ایران رخ دهد یا ندهد، هیچ نقشی برای خویش در آینده ایران متصور نیست. حتی حکومت فعلی و بعدی ایران هم چنین نقشی برای آنان متصور نیست. به‌جز نقش کمک تخصصی و مادی به امروز یا فردای ایران.

✘ **به چه دلیل؟**

زیرا بیشتر آنان زندگی‌شان در خارج از کشور تثبیت و مستقر شده است؛ خواه «سئال‌اولی‌ها» باشند، خواه «سئال‌دومی‌ها» و حتی «سومی‌ها» که در دوره‌های گوناگون پیش از انقلاب، هنگام انقلاب، در زمان جنگ هشت‌ساله، پس از جنگ یا در سال‌های اخیر به خارج آمده‌اند. اکثریت این دیاسپورا، زندگی‌شان در غرب، اروپا، آمریکا، استرالیا و برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه استوار و پایدار شده است و اساساً سهمی برای خود در آینده ایران تصور نمی‌کنند. در بهترین حالت، مطالبه‌شان امکان رفت‌وآمد بی‌دغدغه به میهن، دیدار خویشاوندان، برخی سرمایه‌گذاری‌ها یا در نهایت چنان‌که در برخی کشورها به آن «اکسپاتریوت» (Expatriate) می‌گویند، برخورداری از احترام به‌عنوان ایرانیان خارج‌نشین، تأمین معیشت، امنیت، اقتصاد و تأمین قضائی و نهایتاً داشتن نماینده‌ای در پارلمان به نمایندگی از ایرانیان خارج از کشور است.

✘ **از این بابت که شما پژوهشگر تاریخ هستید و نیز از منظر کسی که در عرصه سیاست نیز قلم زده و سخن گفته‌اید، آیا اکنون به معنای واقعی کلمه و در قالب ترمنیولوژیک با پدیده‌ای به نام «فاشیسم» مواجهیم؟**

پیش از پاسخ به این پرسش، باید مقدمه‌ای را مورد توجه قرار داد. در دوره‌های گذشته، به تکرار شاهد کردهای‌های ایرانیان خارج از کشور بوده‌ایم؛ در طول ۲۷ سال اخیر و حتی پیش از انقلاب برای مخالفان رژیم پهلوی. از این‌رو تجمع ایرانیان خارج از کشور امری نوظهور نیست. اما تجمعات اخیر ویژگی‌ای متمایز دارد.

✘ **چه ویژگی‌ای؟**

اینکه اگرچه ظاهراً اشتراکی وجود نداشته، در عمل ائتلاف ناخوشسته و ناگفته‌ای میان سه جریان عمده اپوزیسیون خارج از کشور شکل گرفته است که پیش‌تر با یکدیگر دشمنی شدیدی داشتند و اکنون نیز ظاهراً روی کاغذ با هم خوب نیستند، اما در عمل جبهه‌ای واحد علیه حکومت ایران تشکیل داده‌اند؛ نخست سلطنت‌طلبان/ مشروطه‌خواهان/ پادشاهی‌خواهان به رهبری رضا پهلوی، دوم سازمان موسوم به مجاهدین خلق به رهبری مریم رجوی و رهبر غایب آنان مسعود رجوی و سقوط مجاهدین تجزیه‌طلب و قوم‌گرا که عمدتاً گروه‌های کردی تجزیه‌طلب نظیر احزاب کومله، دموکرات کردستان، پژاک و دیگر گروه‌های مسلح هستند که عملاً تقریباً با یکدیگر متحد شده‌اند. این سه جریان عمده گرچه ظاهراً به یکدیگر اهانت می‌کنند، اما اکنون به ازدواج مصلحتی تن داده‌اند.

چون نتیجه همفکری‌ها و مشورت‌هایی که با نهادهای امنیتی گوناگون دنیا (ازجمله ترکی فیصل مغز متفکر امنیتی سعودی) داشته‌اند، این بوده که مجاهدین خلق از پول، زور، نفوذ و سازماندهی بسیار بیشتری نسبت به بقیه گروه‌های اپوزیسیون برخوردار بودند، اما فاقد مشروعیت و مقبولیت عمومی و مردمی هستند؛ سلطنت‌طلبان به نسبت دیگران تا حدی مشروعیت و مقبولیت داشتند، اما فاقد پول، زور، سازماندهی و نفوذ مجاهدین بودند و گروه‌های کرد تجزیه‌طلب مسلح نیز فاقد اقبال سراسری هستند. درواقع همان‌طور که گفتم، سه جریان مذکور ازدواج مصلحتی‌ای انجام داده‌اند. این ازدواج مصلحتی، همراه با تحولات داخلی کشور، آنها را به هم پیوند داد و به این نتیجه رساند که به‌تنبهایی قادر به تضعیف یا براندازی حکومت در ایران نیستند، اما با تجمع یکدیگر و با وجود اختلافات بنیادین و با پشتیبانی دیگر گروه‌های اپوزیسیون، هواداران، خانواده‌هایشان، مزدورانشان و قدرت‌ها و سرویس‌های امنیتی خارجی، می‌توانند به این هدف دست یابند.

✘ **با همین مقدمه، آیا اکنون با فاشیسم مواجهیم و این فاشیسم در حال تسخیر یا بلعیدن دیاسپورا است؟**

واژه «بلعیدن» دیاسپورا توسط فاشیسم قدری اغراق‌آمیز است. بهتر است بگوییم تسخیر دیاسپورا در جریان است. اما

شرق

دوگانه دیگر در خارج شکل گرفته و تأکید دارد که شرایط کنونی ایران باید درگروگن شود، از هر راهی، به هر طریقی، با هر کمکی، با هر پولی و با کمک خارجی و بدون توجه به تبعاتش که می‌تواند سوریه‌سازی، افغانستان‌سازی، سودان‌سازی، لیبی‌سازی، تجزیه، جنگ داخلی، فروپاشی و به خطر افتادن موجودیت و تمامیت ارضی ایران باشد، پیش برویم. اینکه حکومت در ایران به چه قیمتی و با چه بهایی برود، برای آنها اهمیت ندارد. اما این نگاه هم نگاه بسیار خطرناکی است. هر دو راه به تباهی و فاجعه می‌انجامد. افزون بر این، باید توجه داشت که شرایط کنونی ایران جامعه را به‌شدت دچار التهابات سیاسی و اقتصادی کرده و رقم مزدوری، یعنی کسانی که با ارقام اندک می‌توان برای ترور و خراب‌کاری استخدام کرد، پایین آمده است. انگیزه‌هایی برای عده‌ای ایجاد شده که با هرکسی همکاری کنند و از هرکسی فرمان برند. از سوی دیگر، از یک نگاه تاریخی، در بسیاری موارد جریان‌های خارجی و مزدوران و دشمنان ایران رأساً موج ایجاد نکرده‌اند؛ موج‌ها در داخل به دلایل داخلی پدید می‌آیند، اما ایران‌ستیزان و ایران‌هراسان سوار این موج‌ها می‌شوند، هدایت و منحرف‌شان می‌کنند و به سمت مورد علاقه خودشان می‌کشانند. ازاین‌رو اینکه جمهوری اسلامی موفق شد توطئه‌های را که از خارج هدایت می‌شد، خنثی و کنترل کند، خبر خوبی است، اما اینکه گمان کند مطلقاًباتی که در آغاز سبب این حوادث شد، نادیده گرفته شود و با ادامه وضعیت کنونی حکمرانی، تکرار آن ناممکن خواهد بود، امری بسیار خطرناک است.

✘ **چراغ‌قوه بر بخشی از تحلیل‌تان بگیرم و از زاویه دیگر به گفتمان نظامی‌زده‌ای برسیم که وجود دارد و در قالب فراخوان فشار حداکثری، دعوت به تشدید تحریم‌های فلج‌کننده و نهایتاً درخواست برای مداخله نظامی در هر قالبی به دنبال قبض قدرت است. واقعاً این گفتمان نظامی‌زده تا چه حد خطرناک است؟**

بسیار تأسف‌بار است که این روزها افرادی که خود را فعال حقوق بشر، صلح‌طلب، حقوق‌دان یا خیرخواه ایران می‌دانند، دم از استمداد و التماس و توجیه و اباحه‌گری برای حمله خارجی یا توجیه تحریم‌های گسترده علیه ایران یا منطقی نشان‌دادن دخالت آمریکا و اسرائیل و دیگران برای تغییر نظام سیاسی در ایران می‌زنند. این بسیار خطرناک است. تاریخ نشان داده که نه‌تنها در ایران، بلکه در خارج از ایران، حتی اگر به فرض بعید این انقلاب موفق شود، با این افراد حتی در نظام‌های بعدی نیز به چشم خائن رفتار خواهد شد. وطن‌فروشی بدتر از این نیست که توجیه‌کنید خارجی‌ها بیایند مردم ایران را آزار دهند، تحریم کنند، زجر بدهند، گرسنه نگه دارند و تعرض نظامی به خاک ایران کنند و گمان کنیم این کار را برای خیرخواهی ما انجام می‌دهند. بدون تعارف می‌گویم این به نظرم تعرض جنسی است به هویت و تمامیت ایران با ادعای حفظ غفت و ناموس.

✘ **ادامه همین گفتمان مغرب را تحلیل کنیم در قالب «گفتمان اطاعت»؛ بسیاری می‌گویند آنچه در حال وقوع است، تضعیف فرودیت گفتمانی-سیاسی است، به‌ویژه در تجمعات دیاسپورایی، آیا واقعاً «گفتمان اطاعت» قصد دارد فرودیت را سلب کند و به سوی گفتمان اطاعت محض جمعی برود؟ آیا شما چنین چیزی مشاهده‌می‌کنید؟**

فشار کنونی در خارج از کشور از سوی این گروه حداقلی که خود را نماینده کل دیاسپورا جلوه می‌دهند، این است که ما نماینده کل مردم ایران هستیم و شما باید از شاهزاده حمایت کنید و او رهبر ایران است، هرکسی که خلاف این را بگوید یا تردید کند، مزدور رژیم جمهوری اسلامی است. این نگاه کانونی فاشیستی است که «هرکسی که با من نیست، بر من است» و پیش‌تر نیز وجود داشته اما اکنون بارزتر و وقیح‌تر شده است. بدتر از آن، منطق و حمله‌ای که این افراد به کار می‌برند، به این معنا که ما به‌عنوان نوجوانان زمان انقلاب تا بزرگ‌تر و کوچک‌تر از ما را متهم می‌کنند که علیه سلطنت انقلاب کردید، فاجعه به بار آوردید؛ درحالی‌که می‌توانستید اصلاحات درازمدت انجام دهید اما رژیم‌چنج کردید و انقلاب به ترازوی د تباهی انجامید، اما ما نیز می‌خواهیم همین کار را تکرار کنیم. زیرا همان تباهی را (به قول خودشان) می‌خواهیم تکرار کنیم؛ بله، جمهوری اسلامی از جهت گوناگون نقش‌های جدی دارد و حتماً باید نقد شود. خود من سال‌هاست در سطوح مختلف، بنا به مصلحت ملی بدون اعتنا به تبعات نقد، این کار را کرده‌ام.

از سوی دیگر، ضمناً به‌عنوان کسی که در سال‌های اخیر کم‌ویش، خروجی پژوهش‌های تاریخی و بین‌المللی‌ام در رسانه ملی منعکس و بخش شده، دستگاه تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی رسمی ایران اشکالات بنیادین دارد که تا رفع نشود، نتغته‌ای ما مارچ‌ها ادامه خواهد یافت، بلکه متأسفانه سیاست ملی ما را به نقطه ضعف و پاشنه‌اشیل منافع ملی تبدیل کرده است. اما متأسفانه داستان تنها از سوی ایران نیست؛ هر دو طرف ماجرا مقصرند. اینکه گمان کنیم اپوزیسیون منزّه است و می‌خواهد حکومتی یوتویایی در ایران برپا کند و جمهوری اسلامی هیچ اشکالی ندارد و فقط توطئه خارجی است، هر دو راه به بیراهه می‌انجامد. یکی از کارهایی که علیه سلطنت اسلامی باید سال‌ها پیش انجام می‌داد و نکرده و شخص من تلاش کردم، اما موفق نشدم، تغییر روش و منش راهبردی رسانه ملی و انحصاری رادیو و تلویزیون ایران است، برای نمونه، پس از جنگ ۱۲روزه تلاش کردم کمک کنم و در چند گفت‌وگو نشان دهم که باید بازنگری انجام دهم، اما متأسفانه پس از چند روز رفتار و روش درست و ملی، صداسما عرضه شد؛ از جمله تغییر مرتجع رسانه‌ای و نداشت و گفت‌وگوهای من نیز توقیف شد.

جناب‌عالسی می‌دانید که سال‌ها برنامه‌های این‌جانب از تلویزیون پخش می‌شد و هنوز برنامه‌های قدیمی و مستندهای پیشین من در باب تاریخ و انقلاب و دوره قاجار پخش می‌شود، اما این امر سبب شد که به‌کلی با تلویزیون قهر کنم و حاضر نشوم در هیچ برنامه‌ای شرکت کنم.

اکنون برای نخستین‌بار می‌خواهم آخرین گفت‌وگویی که توقیف شد، پس از جنگ ۱۲ روزه و حمله حرامیان به ایران را بخوانم، مواردی را که خدمتان عرض می‌کنم، تهیه‌کننده برنامه، از روی حسن نیت، دلایل توقیف گفت‌وگو را شخصاً نوشته و فرستاده است. قضاوت با خوانندگان روزنامه «شرق» است که چرا ما نمی‌توانیم در جنگ رسانه‌ای پیروز شویم و پیشاپیش بازنده‌ایم.

✘ **این حضور در تلویزیون مربوط به چه تاریخی است؟**
یک گفت‌وگو بلافاصله پس از جنگ ۱۲ روزه با شبکه یک بود که پخش شد. ولی پس از بازگشت صداسوما به تنظیمات اولیه، گفت‌وگوی دوم، کم و بیش با همان محتوا، حدود ۱۰ روز پس از پایان حکومت اسرائیل و آمریکا به ایران در شبکه مستند توقیف شد.